



دانشکده آموزش های الکترونیک

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی

سیستم مجازات های نامعین

به کوشش

عقیق فروهر

استاد راهنما

دکتر محمد هادی صادقی

استادان مشاور

دکتر فضل الله فروغی

دکتر شهرام ابراهیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

سیستم مجازات های نامعین

به کوشش

عقیق فروهر

از نظر مکاتب حقوق کیفری مرحله اجرای مجازات، مهم ترین و حساس ترین مرحله برای بازسازی مجرم، بازگرداندن وی به جامعه و پیشگیری از تکرار جرم در آینده است. لذا به دنبال اهمیت و حساسیت این مرحله، نظامی تحت عنوان سیستم مجازات های غیرمعیّن یا محکومیت به مدت نامعلوم شکل گرفت. هدف این نظام تطبیق مدت مداوا در زندان یا ندامتگاه ها با احتیاجات فرد مجرمین و توقعات دفاع اجتماعی است. در این پژوهش ابتدا به شناختی جامع از این سیستم و ابعاد مغفول مانده و در پی آن به بررسی آثار و نتایج اجرای این نحو از واکنش و همچنین به بحث از جایگاه این نظام در حقوق ایران و اسلام پرداخته شده است.

کلید واژه ها: مجازات های نامعین ، تعزیر ، اقدامات تأمینی و تربیتی ، حقوق اسلامی

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۲.....	الف- طرح موضوع.....
۲.....	ب- بیان مسأله.....
۳.....	ج- اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۴.....	د- سابقه علمی.....
۵.....	ز- هدف پژوهش.....
۵.....	و- سوال تحقیق.....
۵.....	ه- روش پژوهش.....
۷.....	فصل اول: دیرینه و خاستگاه سیستم مجازاتهای نامعین.....
۸.....	گفتار اول: تعریف سیستم مجازات های نامعین.....
۸.....	الف: تعریف لغوی و اصطلاحی سیستم مجازات های نامعین.....
۸.....	ب: تعریف مجازات های نامعین از دیدگاه حقوقدانان.....
۱۱.....	گفتار دوم: سیرتاریخی مجازات های نامعین در سیستم جزایی غرب.....
۱۱.....	الف: طراحان سیستم مجازات های نامعین در غرب.....
۱۴.....	ب: مجازات های نامعین در حقوق آلمان.....
۱۶.....	گفتار سوم: سیرتاریخی مجازات های نامعین در سیستم جزایی اسلام.....
۱۶.....	الف: مجازات از منظر اسلام.....
۲۲.....	ب: مجازات های نامعین در فقه.....
۳۱.....	فصل دوم: مبانی و قلمرو اندیشه مجازات های نامعین.....
۳۱.....	گفتار اول- مبانی و علل ظهور اندیشه مجازات های نامعین.....

- الف: اصل فردی کردن مجازاتها..... ۳۳
- ب- عدالت مبتنی بر تعامل یا تقابل ۳۵
- گفتار دوم- قلمرو اعمال مجازاتهای های نامعین..... ۳۹
- الف: قلمرو مجازات های نامعین در غرب..... ۴۰
- ب: قلمرو مجازات های نامعین در حقوق ایران..... ۴۳
- فصل سوم: سیستم مجازاتهای نامعین از دیدگاه مکاتب کیفری..... ۵۴
- گفتار اول: دیدگاه موافقین سیستم مجازاتهای نامعین..... ۵۵
- الف: فواید پذیرش سیستم مجازات های نامعین..... ۵۵
- ب: نقض اصل قانونی بودن مجازات ها..... ۵۸
- گفتار دوم: دیدگاه مخالفین سیستم مجازاتهای نامعین..... ۶۳
- الف: دلایل ضرورت ثبات مجازاتها..... ۶۳
- ب: ایرادات وارد بر سیستم مجازات های نامعین..... ۶۷
- گفتار سوم: دیدگاه بینابین یا مسلک میانه..... ۶۷
- فصل چهارم: سازوکارهای اجرایی سیستم مجازاتهای نامعین..... ۷۴
- گفتار اول: سیاست های پیش قضایی..... ۷۵
- الف: پرونده شخصیت..... ۷۶
- ب: اخذ تأمین مناسب..... ۷۷
- ج- تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده..... ۷۷
- د- تعویق صدور حکم در قانون جدید مجازات اسلامی..... ۸۱
- گفتار دوم: تدابیر قضایی ۸۶
- الف: ترک تعقیب..... ۸۷

۸۸.....	ب:تعلیق اجرای مجازات.....
۹۱.....	گفتار سوم: سازوکارهای اجرایی.....
۹۲.....	الف:آزادی مشروط.....
۹۴.....	ب: عفوهای خاص.....
۹۸.....	نتیجه.....
۱۰۰.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۱۰۵.....	چکیده به زبان انگلیسی.....

مقدمه

از نظر مکاتب حقوق کیفری مرحله اجرای مجازات، مهم ترین و حساس ترین مرحله برای بازسازی مجرم، بازگرداندن وی به جامعه و پیشگیری از تکرار جرم در آینده است. همین امر موجب گردید تا بحث ثبات مجازات و یا قابلیت انعطاف آن و آثار قابل تأمل آن مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا عده‌ای از علماء حقوق جزا معتقدند که مدت مجازات نباید بطور مقطوع و غیرقابل تغییر در روز صدور حکم معین شود زیرا اوضاع و احوالی که در موقع رأی وجود نداشته و بعداً ظاهر میشود ممکن است در تغییر مدت حبس و مقدار مجازات موثر باشد و از این رو سیستمی در مورد مجازاتها باید برقرار شود که همان سیستم مجازات‌های غیرمعین یا محکومیت بمدت نامعلوم است و هدف این سیستم تطبیق مدت مداوا در زندان یا ندامتگاه‌ها با احتیاجات فرد مجرمین و توقعات دفاع اجتماعی است. این معنا مستلزم اجرای یک سیاست کیفری متناسب با دستگاه قضایی کشور است. برای این که یک «سیاست کیفری» کارآمد، عادلانه و انسانی باشد، لازم است در پیش‌بینی و اجرای ضمانت اجراهای کیفری، متناسب با تنوع جرائم، گوناگونی مجرمان و تفاوت شرائط ارتکاب بزه، از انواع و مقادیر مختلف مجازات‌ها بهره جوید. قانون نویسی مبتنی بر درایت، تاثیر بسزایی در ارباب و بازدارندگی و پیشگیری از وقوع جرم داشته است که این امر بر کسی پوشیده نیست. قانون حامی منافع فرد و اجتماع بوده و بقای جوامع انسانی در گروی قوانینی است که پاسخگوی نیازهای روز آحاد جامعه باشد. انعطاف در شیوه قانون نویسی از مشخصات بارز یک قانون مناسب بوده بویژه آن که راجع به قوانین کیفری که با آزادی‌های فردی مرتبط است، بیشتر ظهور و نمود پیدا می کند.

الف - طرح موضوع

برای شناخت هرچه بهتر سیستم مجازاتهای نامعین، باید به بررسی ریشه ایی و مبنایی پیرامون این نظام و تعمق در زوایا و ابعاد گوناگون آن پرداخت، البته علاوه بر این مباحث به طرح دو رویکرد موافق و مخالف در رابطه با سیستم تبیین شده است. رویکرد سومی نیز ارائه می گردد که جمع بین دونظر و گاه ارائه راهکار نوینی را مدنظر دارد. از دیگر مواردی که لازم است مورد توجه قرار بگیرد بحث سازوکارهای اجرایی این نهاد در سیستم قضایی کشورمان است.

ب- بیان مسأله

امروزه اغلب قانونگذاران جرایم را در طبقه بندی خاصی، باتوجه به شدت و خفت مجازات، در نظر می گیرند و می کوشند تا با دقت در تحولات جامعه در ایجاد تناسب بین مجازات مقرر و جرم انجام یافته توفیق پیدا کنند. به ویژه که داده های جرم شناسی نیز بر لزوم این تناسب تأکید فراوان دارند. لذا فرض بر آن است که در نظام حقوقی امروزی، قاضی می تواند با در نظر داشتن این تناسب میزان آشفتگی ناشی از جرم و تقصیر بزهکار را در هر مورد بسنجد و او را به مجازات متناسب و عادلانه محکوم سازد و بدین نحو هم افکار عمومی و هم محکوم علیه درخواست یافت که عدالت کیفری به اجرا درآمده و حقوق جامعه استیفا شده است. اما مجازات و واکنش جزایی یقیناً به اهدافی چون ارعاب، تنبیه و تعذیب مجرمین محدود نمی شود و تمرکز بر روی صرفاً مجازات، کیفر و تنبیه امری ناصواب است. اصولاً تنبیه کردن و جدا کردن بزهکار از اجتماع در برخی موارد ضروری و اجتناب ناپذیر است. ولی این تنبیه و جدایی الزاماً باید به خاطر تربیت و اصلاح فرد و جامعه باشد نه به گونه ای که موجب بازآفرینی جرم و مجرم گردد و موجبات اثرات سوء روانی و... شود. یکی از امور مهم، بحث اصلاح و تربیت مجرم است. ما با موجودی به نام انسان مواجهیم که تربیت پذیر است. موجودی که در برابر تحقیر ها، ضربات و... واکنش های گوناگونی از خود نمایان می سازد. بسیاری از مجرمان قابل اصلاح اند و بسیاری از مجرمان اتفاقی، عاطفی و... هستند، بنابراین حفظ تناسب بین جرم، مجرم و واکنش جزایی الزامی است و امری انکارناشدنی و حائز اهمیت است.

برای اینکه مجازات بتواند خصیصه ارعابی و کیفری داشته باشد بایستی معین باشد، اما مجازات هدف والای دیگری را نیز دنبال می نماید و آن اصلاح و تربیت مجرم است. حتی اگر قاضی بتواند به سادگی مسائل مربوط به گذشته مجرم و ارتکاب جرم را ارزیابی نماید، در تعیین مدت لازم برای بازپروری و بازسازی وی درآینده مواجه با اشکال خواهد شد. چرا که از درجه تأثیر پذیری مجرم بی اطلاع است و از نحوه اجرای مجازات و کارآیی آن اطلاعات کمی دارد. بنابراین

باید روشی متناسب انتخاب شود که بتوان به هدف اصلاح و تربیت مجرم نیز دست یافت و برای این امر باید اصلاحاتی در خصیصه مجازات از قبیل معین بودن به عمل آید و به تدریج که به اهمیت اصلاح مجرم پی برده می شود این اصلاحات ضروری تر به نظر می رسد. لذا برخی سوالات ممکن است در این زمینه مطرح شود از جمله این که: آیا یکی از خصایص مجازات ها که معین بودن است با اهداف و آمالی که در فرایند کیفری سیستم مجازات های نامعین تعقیب می نماییم به طور کامل سازگاری دارد؟ و آیا اجرای سیستم مجازات های نامعین تعارضی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها نخواهد داشت؟ و دیگر اینکه واژه تعزیر تا چه اندازه با مجازات های نامعین انطباق دارد؟ و... که در فصول آتی به هریک از سوالات فوق به نحو مبسوط پاسخ داده خواهد شد.

ج- اهمیت و ضرورت پژوهش

باتوجه به رشد فزاینده جنایات و جرایم در جامعه امروزی و هزینه ها و خسارات عدیده ای که این روند برای اجتماع در پی دارد؛ با نگاهی بر واکنش های کیفری، کارآمدترین شیوه و سازوکار اجرایی، برای نیل به اهداف و آمالی که عدالت کیفری به دنبال آن است بیان می گردد. اهمیت بازسازی مجرمین برای بازگرداندن آنان به اجتماع و پیشگیری از تکرار جرم برکسی پوشیده نیست. لذا ابزار و سازوکارهای موجود برای نیل به این اهداف کفایت نمی کند و یا اینکه آنگونه که شایسته است به کار برده نمی شود. فی المثل، اصطلاح تعزیر علی رغم شهرت فراوانی که در ادبیات کیفری حاکم کسب نموده است، هنوز از بسیاری جهات ناشناخته و مغفول مانده است. این نوع از واکنش که قلمروی بسیار وسیعی را در حقوق کیفری اسلام در بر می گیرد و حتی گاه در حوزه سایر امور وارد می شود در تلقی رایج، تنها نوعی از مجازات است که از انعطاف بیشتری نسبت به حدود و قصاص برخوردار می باشد؛ اما ویژگی های منحصر به فرد این واکنش، که سیاست جنایی حاکم بر حقوق اسلام را به طور کامل جلوه گر می نماید، کمتر مورد عنایت صاحب نظران حتی در ایران واقع شده است، در حالی که در سیستم تعزیرات، عناوینی را می توان یافت، که با توجه به عدم اتکا به سیاست جنایی متناسب، اغلب با مشکلات عدیده مواجه است. یکی از این عناوین سیستم مجازات های نامعین است که هنوز هم اختلاف نظرها پیرامون آن به طور جدی وجود دارد. لذا به نظر می رسد با توجه به مطالب فوق و اهمیت و حساسیت مرحله اجرای واکنش های کیفری و اثرات آن بر روی مجرم، پژوهشی پیرامون این سیستم و همچنین بررسی رابطه آن با نظام تعزیرات در حقوق اسلامی مفید واقع شود.

هدف از این پژوهش بررسی سیستم مجازات های نامعین است، در این نوشتار سعی خواهد شد ابتدا شناختی جامع از سیستم مجازات های نامعین ارائه شود و سپس آثار و نتایج اجرای

این نحو از کیفر در کشورهایمانند ایالات متحده مورد مطالعه قرار گیرد و در ادامه در پژوهشی تطبیقی ارتباط میان این سیستم و نظام تعزیرات در حقوق اسلامی ارزیابی شود و با توجه به سیاست جنایی حاکم بر تعزیرات و به طور کلی حقوق کیفری اسلامی جایگاه سیستم مجازات های نامعین یا نهاد های مشابه تبیین شود که قطعاً مستلزم دقت نظر بیشتر در ابعاد مغفول مانده حقوق کیفری اسلام و توجه به ضوابط و الزامات شرعی و قیود حاکم بر کیفر در حقوق اسلامی است و در ادامه نتایج قبول یا رد این سیستم را با توجه به واقعیات و مقتضیات حاکم بررسی می نماییم تا نتیجه ای راهگشا و قابل اجرا ماحصل این تامل باشد ان شا الله.

د- سابقه علمی

با مطالعاتی که با راهنمایی های استاد گرامی پیرامون موضوع صورت گرفت این نکته آشکار شد، که متأسفانه تا کنون مجازات های نامعین به صورت مجزا و عمیق مورد پژوهشی جدی واقع نشده است و کمتر از سوی حقوقدانان ایران مورد اقبال واقع گشته است. در حالیکه بررسی دقیق این امر و تأملی بر چگونگی پیدایش آن در حقوق غرب و مشاهده نتایج و آثار اجرای این سیستم در این کشورها و همچنین بررسی موضع حقوق اسلام نسبت به این نوع از کیفر می تواند نقش تعیین کننده ای در شناخت خط مشی سیاست جنایی حاکم بر حقوق الهی داشته باشد. اما درپیش گرفتن این روند خالی از نگرانی نخواهد بود، چرا که تغییر و تحول در موقعیت برخی از نهادهای موجود نیازمند است تا فضا و مکان لازم برای نهادهای جدید فراهم آید. به علاوه جایگزینی نظام موجود با نظامی دیگر مانند هر برنامه اصلاحی بزرگ همواره موجب این نگرانی است که وضع بدتر از سابق نشود. قابل ذکر است برخی اساتید مانند فیض در مقارنه و تطبیق و صانعی در حقوق جزای عمومی و همچنین آقایان نوربها، باهری و صفاری در کتب خویش به ذکر تعریفی از مجازات های نامعین پرداخته اند، اما این میزان مطالعه با توجه به اهمیت موضوع کافی به نظر نمی رسد.

آنگونه که به صورت گذرا در ذیل مباحثی چون انواع مجازات ها و یا در بحث از تعزیرات و یا آزادی مشروط به ذکر تعریفی از این نهاد پرداخته اند بدون اینکه به صورت مبنایی و ریشه ایی این نظام را مورد بررسی قرار دهند. هم چنین در کتب حقوقدانان تعریف این نهاد به نحوی که جامع و مانع باشد نیز به چشم نمی خورد. برای مثال نوربها در کتاب جزای عمومی خویش با ذکر فاقد حداقل و یا حداکثر برای مجازات نامعین فقط به قسم خاصی از این نظام پرداخته اند.^۱ و یا اینکه در آثار سایر حقوقدانان این سیستم را محدود به مجازات ها می دانند و دامنه آن

^۱ . نوربها، رضا، ۱۳۸۳ زمینه حقوق جزای عمومی، تهران دادآفرین، ص ۲۴

را فراتر از مجازات، که همان واکنش است، نبرده اند.^۲ در سایر کتبی که مورد بررسی واقع گردید صرفاً به ذکر تاریخچه ای از این سیستم و تعریفی کوتاه از آن بسنده شده است.^۳

ز- هدف پژوهش

هدف از این پژوهش آشنایی جامع و کامل با سیستم مجازاتهای نامعین است. که این موضوع و استمداد از آن، کمک شایانی به حل معضلات موجود در راستای بازسازی بزهکار با اجتماع می نماید و همچنین افق های نوینی را در رابطه با این نظام در پیش روی خوانندگان و محققان قرار می دهد.

و- سوال تحقیق

پس از بررسی همه جانبه و ابعاد گوناگون سیستم مجازات های نامعین، دو سوال عمده در این پایان نامه پاسخ داده خواهد شد:

۱- مبانی پذیرش سیستم مجازات های نامعین و صورت های آن در حقوق ایران و فقه اسلامی کدام است؟

۲- آیا مجازات های نامعین جدای از تعریف آن ها در نظام حقوقی ما جایگاهی دارند؟

ه- روش پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای و تحلیلی - توصیفی انجام شده است. در این پژوهش که مبتنی بر کار کتابخانه ای یا درون ذهنی است؛ چرا که بیشتر داده ها و اطلاعات در کتب و گاه مقالات یا پایان نامه های مرتبط قابل دسترسی بوده اند. مباحث در سه فصل تنظیم گردیده است. فصل اول به بررسی پیرامون پیشینه و خاستگاه و بیان سیر تاریخی در حقوق اسلام و غرب و در فصل دوم مبانی و علل ظهور اندیشه مجازاتهای نامعین و حدود و قلمرو آن بررسی می شود و در ادامه در فصل سوم و چهارم به ترتیب پیرامون دیدگاه های

^۲ . باهری، محمد، ۱۳۸۱ حقوق جزای عمومی، رهام، ص ۳۶۸

^۳ . صفاری، علی، ۱۳۸۶ کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، جنگل، ص ۴۳-۴۵

مطروحه در این زمینه و بیان نظرات مخالف و موافق درباره مجازات های نامعین و ابزارهای نامعین ساختن مجازات در حقوق کیفری پرداخته می شود.

فصل اول

دیرینه و خاستگاه سیستم
مجازاته‌های نامعین

گفتار اول: تعریف سیستم مجازات های نامعین

در فصل اول به بررسی دیرینه و خاستگاه نظام مجازات های نامعین پرداخته شده است. مجازات وسیله ای برای اصلاح و درمان مجرم است، که باید تحت نظر و مراقبت مستمر مقامات قضایی اجرا شده و تا آخرین مرحله، قاضی در جریان نحوه اجرا و درجه تأثیر مجازات قرار گرفته و در صورت لزوم هرگونه تغییری را در نوع یا نحوه اجرای آن ایجاد کند.^۴ در ابتدا سعی بر آن است که تعریفی جامع و مانع از این سیستم بیان گردد. و در ادامه به بیان سیر و روند تاریخی سیستم مجازاتهای نامعین در حقوق اسلام و غرب پرداخته می شود. در ادامه لازم به ذکر است که واژه مجازات در عنوان - سیستم مجازات های نامعین - حاکی از این امر نیست که بحث فقط در محور مجازات ها جریان دارد بلکه کلیه واکنش های کیفری در این پژوهش موردنظر واقع می شوند. لذا شایسته است، ابتدا با نگاهی به پیشینه این سیستم و ارائه تعریف جامع و مانع از آن بحث را آغاز نمود.

الف: تعریف لغوی و اصطلاحی مجازات های نامعین

سیستم در لغت معادل واژه نظام است، و به معنای روش، طریقه، ترتیب و قائده است.^۵ و اما مجازات در لغت عموماً به معنای پاداش نیکی یا بدی را دادن و خصوصاً به معنای سزای بدی را دادن و یا بادافره از آن یاد شده است.^۶ همچنین نامعین به معنای نامحدود و آنچه که مشخص و معین نباشد معنا شده است.^۷ این معانی لغوی سیستم مجازات های نامعین است. اما در اصطلاح و از منظر حقوقی با اجتماع این سه کلمه تعریف جدیدی به دست خواهد آمد.

ب: تعریف مجازات های نامعین از دیدگاه حقوقدانان

مجازات را عقوبت و پاداش عمل سوء آن معنا کرده اند و در لغت به معنا چیزی است که به دنبال شی دیگری می آید و از این رو جزا را عقوبت گفته اند که در پی جرم می آید. برخی از حقوقدانان اسلامی نیز در تألیفات خود به تعریف مجازات پرداخته اند. قرافی در تعریف خود آورده است؛ العقوبه هی زواجر اما علی حدود المقدره و اما تعزیرات غیر مقدره؛ کیفر عکس العمل بازدارنده ای است که به صورت حدود مقدر و یا به صورت تعزیر که جنس و میزان آن تعیین نشده اعمال می گردد. در نهایت می توان مجازات را چنین تعریف کرد: پاداشی است آمیخته با رنج و استخفاف و مناسب با جرم که به موجب قانون و یا شرع و به وسیله مراجع ذی

^۴ تدین، عباس، رابطه پیشگیری از تکرار جرم و آزادی مشروط، مجموعه مقالات شادروان دکتر رضا نوربها، ص ۷
^۵ معین، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، چاپ نوزدهم، تهران، ۱۹۷۸ ص

^۶ همان، ج ۳، ص ۳۸۶
^۷ همان، ج ۴، ص ۴۶۶

صلاح علیه یکی از حقوق بزهکار اعمال می گردد.^۸ اما همانطور که بدوا بیان شد، تمرکز صرفا بر روی لفظ مجازات شایسته نیست. بلکه دامنه آن به تمامی واکنش های کیفری گسترده شده است. لذا اگر در ادامه طریق، واژه مجازات و کیفر به کار برده شده است، از روی مسامحه می باشد. در برخی از آثار اساتید و حقوقدانان به تعاریفی از این سیستم پرداخته شده است، لذا این تعاریف ویژگی های تمامی سیستم را بازگو نمی کند بلکه فقط به بیان بخشی از این نظام می پردازد که همان مجازات نامعین مطلق است. برای مثال چنین بیان می شود که: «مجازات نامعین به مجازاتی که مدت اعمال آن از قبل معلوم نبوده بلکه بستگی به ملاحظات و مشاهدات بعدی دارد؛ یعنی قاضی فقط حکم به اجرای مجازات می دهد بدون آنکه قبلا تعیین کند که این مجازات برای چه مدت باید اجرا شود.»^۹ اما همانطور که ملاحظه شد این تعریف جامع اطراد نمی باشد و اقسام مجازات نامعین را تحت پوشش قرار نمی دهد.

مؤلفی دیگر در اثر خود چنین بیان می دارند که «محکومیت نامعین مستلزم صدور حکم به زندان یا مجازات دیگری است برای مجرمین به طوری که مدت اجرای آن از قبل معلوم و مشخص نباشد. زیرا در این قبیل مجازاتها مدت ادامه اجرای مجازات و یا تاریخ متوقف شدن مجازات بستگی به گزارشهایی دارد که اداره زندان از وضع محکوم (با توجه به آزمایشات فردی، روانی و اجتماعی) خواهد داد و تصمیم ادامه یا متوقف شدن اجرای مجازات با قاضی قبلی که حکم محکومیت را داده است و یا شخص واجد صلاحیت دیگری خواهد بود.»^{۱۰} در تعریف مذکور هم ذکری از بخش دیگر این نظام نیامده است.

همچنین بیان می دارند: «محکومیت نامعین عبارت است از مجازاتی که مدت اعمال آن از قبل معلوم نبوده بلکه بستگی به ملاحظات و مشاهدات بعدی دارد. به گفته ژان پرادل، قاضی کیفر سالب آزادی را باید با یک حداقل و حداکثر اعلام می دارد و لیکن اداره زندان ها یا کمیسیون مراقبت که زندانی را تحت نظر دارد، تاریخ دقیق آزادی او را که برابر است با قطع حالت خطرناک در چارچوب قضائی مشخص شده تعیین می نماید.»^{۱۱}

برخی از حقوقدانان تعزیر را معادل واژه ی مجازات های نامعین قلمداد نموده و در مورد این سیستم چنین بیان می دارند که: «تعزیر در حقوق جزای اسلام نام گروهی از کیفرهاست که نوع، اندازه و چگونگی آن معین نشده است و تعیین کم و کیف آن به عهده ولی فقیه و حاکم شرع محول گردیده است. اخیرا این نظام اسلامی مورد توجه اکثر محافل علمی، جرم شناسی و کیفر شناسی قرار گرفته است. و عده بسیاری را عقیده براین است که برای تأمین هدف والای

۸. صادقی، محمدهادی، ۱۳۸۷ حقوق جزای عمومی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شیراز، ص ۷

۹. محمودی جانکی، فیروز و حسین رضایی، چگونگی تعیین کیفرها در آلمان، مجموعه مقالات شادروان دکتر رضا نوربها، ص ۱۷

۱۰. صلاحی، جاوید، ۱۳۸۶ کتاب کیفرشناسی و دیدگاه های جدید، میزان، ص ۶۹

۱۱. صانعی، پرویز، ۱۳۷۴ حقوق جزای عمومی ایران، کتابخانه گنج دانش، ص ۴۶

انسانی تر مجازات‌ها که اصلاح مجرمین و دفاع اجتماعی، ارعاب و عبرت آموزی سایرین را در بر داشته باشد باید از نظام کیفرهای نامعین استفاده شود. این نظام در بین حقوقدانان معاصر به نظام مجازات‌های نامعین مشخص گردیده است.^{۱۲} به عقیده برخی، «پرونده شخصیت یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی است. در جرم‌شناسی بالینی دیدگاه این است که قاضی نبض مجرم را مانند یک مریض گرفته و بیماری او را تشخیص داده است و برایش برنامه‌ای تنظیم می‌کند که بیماری‌اش رفته رفته تقلیل یابد، تا بزهدکار مجدداً مرتکب جرم نگردد».^{۱۳} پرونده شخصیت و بیان اینکه مجرم همانند بیماری است و باید با وی چون یک مریض برخورد کرد از موارد محوری و اساسی است که در نظام مجازات‌های نامعین مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

برخی در تعریف این نظام چنین بیان دارند که: «در سیستم مجازات‌های نامعین، مجرم بعد از محکومیت بی‌آنکه میزان قطعی مجازات او مشخص باشد برای مدتی نامحدود به ندامتگاه هدایت می‌کنند و مانند بیماری که برای معالجه به بیمارستانی رود، با یک رشته تعلیمات اصلاحی به درمان کردن او می‌کوشند تا پس از فراگیری به صورت فردی صالح و سودمند به میان جامعه بازگردد. در این سیستم کیفری قاضی بعد از رسیدگی به مدارک و شواهد و اثبات جرم، حکم محکومیت را صادر می‌کند ولی مدت قطعی بازداشت و یا اجرای هرگونه کیفری درباره مجرم، به میزان پیشرفت متخصصان اخلاق و مربیان و اندرزگویان، نسبت به اصلاح حال او بستگی دارد».^{۱۴}

برخی از حقوقدانان به این بیان که نظام مجازات‌های نامعین با واژه تعزیرات همپوشانی دارد، معتقدند و بدواً در تعریف این نظام با ذکر از تعزیرات بحث را آغاز کرده‌اند. (در فصول آتی بیان خواهیم داشت که تا چه حد می‌توان این دو واژه را دارای معنا و مفهومی یکسان و مترادف دانست). در تعریف تعزیرات، جمع تعزیر است این نیز دارای معنی لغوی و معنی اصطلاحی است. تعزیر در لغت به معنای تأییب و توبیخ و تقویت کردن است و اصطلاحاً بر نظام نامعین کیفری اسلام اطلاق می‌شود که اندازه و میزان آنها را حاکم شرع معین می‌کند.^{۱۵} ایشان به ذکر سیستم نامعین کیفری اسلام می‌پردازند و این مفهوم را منطبق بر تعزیرات می‌دانند.

برخی از حقوقدانان بحث را با - دادنامه غیرمعین - شروع می‌کنند. واژه دادنامه را جانشین کلمه سیستم یا نظام می‌کند و بیان می‌دارند: «در این سیستم که وظیفه قاضی منحصر به

^{۱۲}. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۲، حقوق جزای عمومی جلد دوم تهران، میزان چاپ ششم، ص ۸۷

^{۱۳}. همان ۹۳

^{۱۴}. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۸ حقوق جزای عمومی، تهران مجد، ص ۵۵

^{۱۵}. فیض، علیرضا، ۱۳۷۳، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی، ج اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۵۴

احراز تقصیر مرتکب جرم است و در دادنامه مدت مجازات تعیین نمی شود و روز آزادی مجرم را اداره زندان تعیین می کند.^{۱۶}

عده ای در طبقه بندی مجازات عرفی به معین و نامعین اینچنین بیان می دارد که: «مجازات ها گاه فاقد حداقل و حداکثر می باشند که به آن مجازات نامعین گویند و یا مجازات فاقد حداقل است، در حالی که حداکثر آن معین شده است.^{۱۷} با این بیان اینگونه متذکر می شوند که در مجازات های شرعی نامعین وجود ندارد و در مجازات های عرفی قائل به نامعین بودن مجازات می شوند و به باین بیان به تقسیم بندی این سیستم می پردازند.

از محکومیت نامعین تعاریف مختلفی بدست داده اند که از ذکر همه آنها چون مفید فایده نیست در اینجا خودداری شده و همگی در بیان مشابه می باشند و تعاریف کامل و جامعی نیستند. و صرفاً به یک نوع از این سیستم پرداخته اند و یا اینکه فقط در حیطه مجازات ها به تعریف این نظام پرداخته اند. لذا سعی بر آن است که تعریفی بیان گردد تا به دنبال آن شناختی جامع اطراد و مانع اغیار به دست آید. به نظر می رسد تعریفی که در ادامه می آید بتواند راه صواب را در این طریق بپیماید:

«محکومیت نامعین مستلزم صدور حکم به زندان یا واکنشی دیگر است برای بزهکاران. اما این نظام می تواند مطلق و یا نسبی باشد. غیرمعین بودن واکنش ممکن است مطلق باشد به طوری که مدت اجرای آن از قبل معلوم و مشخص نباشد. بدین معنی که در حکم محکومیت هیچ گونه اشاره ای به مدت آن نشود که همان سیستم مجازات های نامعین مطلق است و یا نسبی است که در آن صورت حداقل و حداکثر واکنش در حکم ذکر می شود و مدت آن عملاً با رعایت این حداقل و حداکثر تعیین می گردد.» این تعریف فقط مجازات را شامل نمی شود و با تقسیم بندی سیستم بدوا سعی بر آن است تا شناختی از این سیستم حاصل شود.

گفتار دوم: سیرتاریخی مجازات های نامعین در غرب

در ادامه به بیان تاریخچه پیدایش محکومیت نامعین در نظام کیفری کشورهای غربی و اسلامی پرداخته می شود.

^{۱۶}. باهری، محمد، ۱۳۸۰، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، مجد، ص ۳۶۸

^{۱۷} نوربها، رضا، ۱۳۸۳، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران دادآفرین ص ۳۶۵

الف: طراحان سیستم مجازات های نامعین در غرب

در مورد سابقه تاریخی پیدایش ایده مجازات های غیرمعین در کشورهای غربی، بنا به تحقیقات یک حقوقدان برجسته به نام دومینگو کاولاریو، باید به زمان پیدایش حقوق قدیم کلیسایی مراجعه کرد. ریشه این فکر در حقوق قدیم کلیسا موجود بوده، و به احتمال زیاد در دوران امپراطوری اسپانیا که کلیسای کاتولیک در اوج قدرت به سر می برده است، برای اولین بار صدور احکام محکومیت به حبس، تبعید، و یا کار اجباری برای مدت نامعین، رایج گردیده است. در حقوق کلیسای کاتولیک معتقد بودند مدت اجرای مجازات بستگی به نظر روحانیون و حکامی دارد که بعداً از محکوم دیدن می کنند و برای او با توجه به وضعی که دارد مدت محکومیتش را معین می نمایند. اولین احکامی که در مورد مجازات غیرمعین صادر شده فرامین فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا مبنی بر محکومیت عده ای از یاغیان است که محکوم بکار اجباری بر روی کشتی های جنگی برای مدت نامعلوم شده اند ایده محکومیت نامعین از نیمه دوم قرن هجدهم میلادی کم کم به کشور فرانسه نیز رسوخ یافته است، و مطابق دستوری که در سال ۱۷۶۹ میلادی از طرف پادشاه وقت فرانسه برای حکمرانان ایالات مختلف فرستاده شده بود، حکام مزبور موظف بودند که تمام ولگردان، گدایان، و زنان خودفروش را در مکان های خاصی که برای آنان تأسیس شده بود، برای مدت نامعلوم نگه داری نمایند. نمونه یکی از این گونه موسسات، کارگاهی است که در سال ۱۷۷۰ میلادی در شهرننسی ایجاد شده، و افراد فوق الذکر در کارگاه مذکور به نخ ریزی، پارچه بافی، و رنگرزی گماشته می شدند.^{۱۸} ولی به هر حال، نتیجه این مباحث هرچه که باشد، اصطلاح محکومیت نامعین به همین صورت در میان جرم شناسان و متخصصین حقوق جزای امریکا و اروپا متداول شده، و کشورهای بسیاری در جهت پیروی از سیاست جدید جزایی، از این تأسیس جدید استفاده می نمایند.

با این همه، کسی که برای اولین بار در اروپا ایده صدور احکام مدت نامعین را پیش کشید، و آن را به صورت امروزی مطرح کرد، شخصی است به نام الکساندر ماکونوچی و این شخص همان کسی است که سروالترکرافتون ایده سیستم ایرلندی مربوط به اداره زندان ها را از او الهام گرفته است. ولی در زمینه ترویج ایده محکومیت نامعین در کشورهای مختلف اروپا، در قرن هجدهم و نوزدهم اشخاص دیگری نیز فعالیت کرده اند، که از آن جمله می توان به مایر اهل باواریای آلمان، مونتسی نوس اهل اسپانیا، شارل لوکاس، اصلاح کننده سیستم مدیریت زندان های فرانسه، و بالاخره از بون ویل، دو مارسانژی قاضی معروف فرانسوی و مبتکر آزادی مشروط نام برد.^{۱۹}

^{۱۸} محمودی جانکی، فیروز و حسین رضایی، ۱۳۸۹، چگونگی تعیین کیفرها در آلمان، مجموعه مقالات شادروان دکتر رضا نوربها، ص

۱۷

^{۱۹} گرامی، محمود، ۱۳۵۱، مجازات های غیرمعین، نشریه حقوق، ماهنامه قضایی، آذر، شماره ۸۱، ص ۷

با وجود این همانطوری که قبلا ذکر شد، ایده محکومیت نامعین بدو تا مدتی در کشورهای اروپایی چندان موفقیتی کسب نکرد. به عبارت دیگر، در ابتدای کار فقط در ممالک متحده امریکای شمالی بود که فکر مذکور زمینه مساعدی جهت توسعه و تکامل خویش یافته، و برای اولین بار در کانون اصلاح و تربیت المیرا که در استان نیویورک واقع است به مرحله عمل درآمد.^{۲۰}

طرح محکومیت نامعین را اولین بار به طور اساسی در سال ۱۸۷۷ میلادی، براک وی از آمریکا، به انجمن زندان های آمریکا پیشنهاد کرد. مبتکر و پیشنهاد کننده این طرح، مدیریت کانون اصلاح و تربیت المیرا در نیویورک را به عهده داشت و توانست بر اثر پشتکار و پیگیری مداوم خویش، ایده محکومیت نامعین را در سازمان تحت تصدی خود وارد نماید. براک وی در همان سال طرح خود را جهت تصویب مجلس مقننه ایالتی ارائه کرد، که اگرچه ابتدا با مخالفت افکار عمومی و ستیزه جویی عده ای از نمایندگان محلی مواجه شد، ولی پس از چندی با مختصر اصلاحاتی به تصویب رسید و به وسیله دادگاه اطفال، در کانون اصلاح و تربیت المیرا به اجرا گذاشته شد. طرح مذکور، در موقع خود موجب مخالفت های عدیده و جروبحت های فراوان گردیده است، حتی یکی از حقوقدانان معروف اسپانیولی زبان، به نام خیمنز دو آزوا پیشنهاد کرد که به جای عبارت (محکومیت نامعین) بهتر است عبارت مجازاتی که «دوره آن بعدا تعیین» می شود و یا حتی عبارت «مجازات با مدت نامعین» به کار برده شود.^{۲۱}

چندی نگذشت که پس از اجرای طرح براک در کانون اصلاح و تربیت اطفال نیویورک المیرا، دایر به صدور حکم محکومیت به مدت نامعین، آن چنان نتایج مثبت و درخشانی گرفته شد که پس از آن، بسیاری از ایالات دیگر ممالک متحده آمریکا از ابتکاری که در نیویورک به کار رفته بود سرمشق گرفتند. بدین طریق قریب به ۷سال بعد یعنی در ۱۸۸۴ میلادی، در ایالات ماساچوست کانون اصلاح و تربیت دیگری برای بزرگسالان افتتاح گردید، که با سیستم احکام نامعین اداره شد. اندکی بعد از آن یعنی در ۱۸۸۷ میلادی در پنسیلوانیا محکومیت نامعین را در کانون اصلاح و تربیت اطفال، برای جوانان ۱۵ تا ۲۵ساله که برای اولین بار مرتکب جرم شدند به کار بستند. سپس ایده محکومیت نامعین در سال ۱۸۸۹ میلادی در مینه سوتا و در سال ۱۸۹۱ در ایالت نویز وبعد از آنها به تدریج در سایر ایالات متحده امریکای شمالی گسترش یافت امروزه مطابق تحقیقاتی که بعمل آمده تقریبا در حدود چهل ایالت از ایالات متحده

^{۲۰} همان، ص ۱۱

^{۲۱} افراسیابی، محمد اسماعیل، ۱۳۸۲ حقوق جزای عمومی، فردوسی، ص ۱۹۹

امریکای شمالی سیستم محکومیت نامعین را در مورد اطفال و بزرگسالان به مورد اجرا گذاشته اند.^{۲۲}

محکومیت نامعین مدت هاست که به طور وسیعی در حقوق جزای مربوط به اطفال، در امریکای شمالی و قسمتی از اروپا مورد استفاده قرار گرفته است. در حالی که همین ایده، به تازگی و باکندی بسیار، در قوانین جزایی بعضی از کشورهای آنگلو ساکسون، در مورد بزرگسالان به مرحله آزمایش و تجربه درآمده است. بنابراین می توان گفت که این تأسیس جزایی جدید جای اصلی خود را در ایالات متحده امریکا پیدا کرده و در آنجا بخوبی جایگزین شده است. این جایگزینی، به نوعی است که امروزه در حقوق جزای تطبیقی، وجود اصل محکومیت نامعین یکی از مختصات سیستم جزایی امریکای شمالی به شمار می رود. در اینجا، باید یاد آوری کرد که مبتکران و مدافعین اولیه ایده محکومیت نامعین، بیشتر هم و کوشش خود را به دونکته اساسی زیر معطوف کردند: یکی اصلاح مجرم و دیگری حفظ و صیانت اجتماع و اما در کشورهای اروپایی، همانطور که قبلا شرح داده شد، حقوق جزا در کشورهای اروپایی، از اواخر قرن نوزدهم دچار تحولاتی شده، من جمله پیدایش مکاتب حقوقی گوناگون، که کم کم منجر به پذیرفتن تئوری های جدید درباره چگونگی اجرای مجازات ها گردیده است. یکی از این تئوری های جدید، که با موقعیت کامل وارد سیستم های مدرن جزایی کشورهای اروپا و امریکای شمالی شده، همانا نظریه شخصی کردن مجازات ها یعنی انطباق مجازات با روحیه و شخصیت فرد مجرمین است. برای نمونه در ادامه به بررسی واکنش های نامعین در حقوق کشور آلمان خواهیم پرداخت. تا با نگاهی به چگونگی وضع این اقدامات در یک کشور اروپایی سیر این نظام را مورد بررسی قرار دهیم و مشاهده نماییم که پذیرش این تئوری جدید و مکاتب حقوقی مدافع این نظریه تا چه میزان بر حقوق کشورهای اروپایی اثر نهاده اند.

ب: مجازات های نامعین در حقوق آلمان

برای مصداقی از مجازات های نامعین در اروپا به در این زمینه به حقوق آلمان نگاهی می اندازیم. نگهداری در بیمارستان روان پزشکی (ماده ۶۳- ق.ج) یا موسسه مربوط به معتادان (ماده ۶۴ ق.ج) جلوگیری از انجام کار باشغل معین (ماده ۷۰ ق.ج) و یا آنچه در عمل فراوانتر از همه است یعنی ابطال گواهینامه رانندگی (ماده ۶۹ ق.ج) این اقدامات از ۱۹۳۳ بخشی از قانون جزای آلمان اند. شدیدترین اقدام تأمینی که انتقاد برانگیزترین آنها هم هست، حبس توقیفی یا احتیاطی طولانی مدت بعد از پایان حکم اصلی است. که گاه مدت آن نیز نامعین است (ماده ۶۶ ق.ج) هدف از این اقدام بازداشتن مرتکبان جرایم خشن و خطرناک از تکرار جرم است و

^{۲۲} محمودی جانکی، فیروز و حسین رضایی، چگونگی تعیین کیفرها در آلمان،، مجموعه مقالات شادروان دکتر رضا نوریها، ص ۱۵